

حقوق بین الملل کیفری

نظریه و رویه

مجموعه مقالات بزرگداشت محمد شریف بسیونی

ویراستاران

مایکل اسکارف

لیلا نیا سادات

ویراستار ترجمه

دکتر سید قاسم زمانی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

به کوشش

عبدالله عابدینی

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران



موسسه مطالعات پژوهشی حقوقی

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه	: عابدینی، عبدالله، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: حقوق بین‌المللی کیفری نظریه و رویه: مجموعه مقالات بزرگداشت محمدشریف بسیونی به کوشش عبدالله عابدینی.
مشخصات نشر	: تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۴۵۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۷۷-۶۹-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: مجموعه مقالات بزرگداشت محمدشریف بسیونی.
موضوع	: بسیونی، محمودشریف، ۱۹۳۷ - م.
موضوع	: صلاحیت رسیدگی به امور کیفری
موضوع	: آیین دادرسی جزایی (حقوق بین‌الملل)
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ج۲/ع۳۶/ک۵
رده بندی دی‌سی	: ۳۴۵/۰۱
شماره کتابخانه ملی	: ۴۰۴۱۴۶۴

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهر دانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید

www.shahredanesh.com

ناشر : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش

به کوشش : عبدالله عابدینی

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۳

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۲۷,۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۷۷-۶۹-۶

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ بوده و در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش: تهران، خیابان کریم‌خان زند، خیابان سنایی، خیابان نهم، خیابان گیلان، پلاک ۵

کدپستی ۱۵۵۷۳۳۱۱۱، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۱۱۵۸۱-۴ نمایر: ۸۸۱۱۵۸۰

Website: www.sdil.ac.ir

Email: publication@sdil.ac.ir

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق، که شیفته نظم‌اند و سر باز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانونگذار فهیم و آگاه، هیچگاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را به نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت، و هیچگاه مصوبات مجلس خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیش نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق، حوزه‌های علمیه که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران، و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و فقهی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده دارند.

جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی در توسعه کمی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمی به همین میزان به توسعه کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به صورت مداوم و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتابهای حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات جناب آقای **عبدالله عابدینی** در ترجمه کتاب **حقوق بین‌الملل کیفری؛ نظریه و رویه** را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورد استفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست مطالب

۱۵.....	اشاره
۱۷.....	مقدمه
۱۷.....	به دنبال هدف در آسمان.....
۲۹.....	فصل اول: نگاهی دقیق به نظریه قوام نیافته حقوق بین الملل کیفری
۴۹.....	فصل دوم: چشم اندازی نوین بر حقوق بین الملل کیفری: پاسخگویی به مثابه یک فراخنای
۵۳.....	۱- شاخص های از فلسفه حقوقی عام.....
۷۳.....	۲- پاسخگویی به مثابه مسئله اجرای عدالت پس از جنگ.....
۹۹.....	۳- ارزیابی انتقادی نظریه التقاطی بسیونی.....
۱۱۵.....	فصل سوم: سیاست‌زدگی از مسئولیت کیفری فردی
۱۱۵.....	۱- میراث شریف بسیونی سیاست‌زدایی از مسئولیت کیفری فردی
۱۱۶.....	میراث بسیونی به عنوان یک شیء
۱۱۶.....	دیدگاه نظری وی در خصوص حقوق کیفری بین المللی
۱۱۷.....	تائید محدودیت‌های عملی
۱۱۸.....	نقد صریح او در خصوص سیاست عملی مفرده
۱۲۰.....	میراث وی به عنوان یک مقام عالی رتبه بین المللی
۱۲۶.....	۲- سیاست‌زدگی و سیاست‌زدایی: چارچوبی تحلیلی مبتنی بر رویکردهای ت متحدہ
۱۲۶.....	سیاست‌زدگی و نظریه کارکردگرایی
۱۲۹.....	الگوها و طبقه بندی‌های سیاست‌زدگی
۱۳۰.....	طرح مسائل سیاسی خارج از اختیارات سازمان
۱۳۱.....	برخورد گزینشی در زمینه حقوق بشر
۱۳۲.....	عدم توجه به فرآیند مقتضی
۱۳۲.....	ابعاد مثبت و منفی سیاست‌زدگی
۱۳۳.....	سیاست‌زدگی به عنوان یک پدیده حقوقی

- سیاست‌زدگی به عنوان یک پدیده سیاسی..... ۱۳۷
- ۳- تحلیل قانون‌مندی..... ۱۳۸
- حدود قانون‌مندی..... ۱۳۹
- عدم تقارن در فرآیند قانون‌مندی..... ۱۴۰
- تحلیل قانون‌مندی متمایز از تحلیل سیاست‌زدگی..... ۱۴۲
- ۴- سیاست‌زدگی و اصول حقوق کیفری بین‌المللی..... ۱۴۴
- مطابق مفهوم سیاست‌زدگی از حوزه فنی به حقوق کیفری بین‌المللی:..... ۱۴۴
- قانون‌مندی، سیاست‌زدگی و دیوان کیفری بین‌المللی: مطابقت اصل و عمل..... ۱۴۵
- ضرورت صراحت..... ۱۴۵
- ضرورت احتیاط..... ۱۴۷
- اصول بی‌طرفی به عنوان..... ۱۴۹
- ماهیت و کیفیت امر مرتبط با سایر عوامل مرتبط..... ۱۵۱
- قانون‌مندی، سیاست‌زدگی و دیوان کیفری بین‌المللی..... ۱۵۲
- تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی به گونه نوعی سیاست‌زدگی..... ۱۵۲
- ۵- ملاحظات و نتایج..... ۱۵۷
- فصل چهارم: صلاحیت جهانی؛ یک استراتژی واقع‌بینانه در دیدگاه یک فیلسوف.. ۱۶۱**
- ۱- ارزیابی رویه دولت..... ۱۶۶
- قضایای مبتنی بر مبانی صلاحیت چندگانه..... ۱۶۸
- اهمیت پیش شرط اعمال اصل صلاحیت جهانی توسط کشور..... ۱۷۴
- ۲- یک آرمان‌گرای استراتژیک..... ۱۸۰
- چشم‌انداز بسیونی: نظم و همبستگی انسانی..... ۱۸۱
- پیش‌برد قانون..... ۱۸۴
- فصل پنجم: مقابله با تروریسم، شکنجه و سایر جرایم بی‌رحمانه: با تأکید بر اخلاق، حقوق و تاریخ..... ۱۸۹**
- نگاهی به تاریخ: قدرت، جنگ، مجازات و مکافات..... ۱۹۵
- حقوق سنتی جنگ عادلانه: حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ..... ۱۹۸

تغییرات مثبت تاریخ.....	۱۹۸
خشونت انتقامی.....	۲۰۴
تضییع حق در قرون وسطی: وحشت در فرانسه در قرن هفدهم و انقلاب فرانسه؛	
حکومت قانون به عنوان قدرت.....	۲۰۷
اوایل دوره «عصر جدید».....	۲۰۹
تروریسم، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنگ تمام عیار.....	۲۱۱
ترس، خشم و تبدیل شدن به آن چه که بتواند تنفر کسی را برانگیزد.....	۲۱۳
تنبیه متقابل به عنوان بخشی از رابطه همزیستی میان دشمنان: منطق دوزخی.....	۲۱۴
خود جوری، توجیه خود و در خدمت خود بودن در «دفاع از خود».....	۲۱۸
عایسه جزئی.....	۲۱۹
آمریکا شکنجه.....	۲۲۲
برخی از ویژگی‌های شجاع اعمال دولت را به چالش کشیده‌اند.....	۲۲۴
مقامات نژادپرستان و مقامات کنگره- رفتارهای امنیتی.....	۲۲۴
نتیجه‌گیری.....	۲۲۶
فصل ششم: هراساندن تروریست‌ها رساله‌ای در مورد روا بودن شکنجه.....	۲۳۱
۱- استدلال به نفع شکنجه.....	۲۳۲
تعریف شکنجه.....	۲۳۶
ممنوعیت شکنجه.....	۲۳۸
۲- منع شکنجه.....	۲۴۹
۳- فرضیه بمب ساعتی.....	۲۵۲
۴- «برون منبعی کردن» شکنجه.....	۲۵۳
فصل هفتم: بازداشت‌های مخفیانه، استردادهای سری و ناپدید شدن اجباری در زمان	
«جنگ» با تروریسم دولت بوش.....	۲۵۹
۱- تعاریف ناپدید شدن اجباری در تخطی از حقوق بین‌الملل.....	۲۶۴
۲- ممنوعیت بازداشت‌های سری در حقوق بین‌الملل.....	۲۶۵
فصل هشتم: شریف بسیونی و کمیسیون ۷۸۰؛ دروازه‌ای به عصر مسئولیت.....	۲۷۵
۱- داستان کمیسیون ۷۸۰.....	۲۷۶

- ۲- کمیسیون ۷۸۰ و افول بی کیفری..... ۲۸۸
- فصل نهم: خشونت جنسی به عنوان نسل کشی؛ اهمیت نقش کمیسیون بسیونی در توسعه اخیر حقوق بین الملل کیفری**..... ۲۹۳
- ۱- نقش گزارش نهایی کمیسیون بسیونی در ایجاد دیوان بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد..... ۲۹۶
- تأسیس کمیسیون کارشناسان و تعریف وظایف آن..... ۲۹۶
- کمیسیون کارشناسان به عنوان یکی از مبنای اتخاذ تصمیم برای ایجاد دیوان بین المللی کیفری یوگسلاوی..... ۲۹۹
- ۲- نقش گزارش نهایی کمیسیون بسیونی در تحول تعریف تجاوز و خشونت جنسی در حقوق بین الملل کیفری..... ۳۰۲
- نتیجه گیری های کمیسیون کارشناسان در مورد تجاوز و خشونت جنسی..... ۳۰۳
- تعریف جرم های تجاوز و ترس جنسی در حقوق بین الملل..... ۳۰۵
- رویه قضایی دیوان های بین المللی کنونی در خصوص تجاوز به عنوان یک عمل نسل کشی..... ۳۱۱
- فصل دهم: دیوان بین المللی کیفری و تحول حقوق بین الملل**..... ۳۱۵
- فصل یازدهم: دیوان بین المللی کیفری و کنگو:**..... ۳۳۱
- از تئوری تا واقعیت**..... ۳۳۱
- فصل دوازدهم: طرح دولتی یا عنصر سیاسی در جنایات علیه بشریت**..... ۳۵۵
- فصل سیزدهم: «تنها عدالت از قلم افتاده است»: شریف بسیون، ام حسین و تلاش برای یافتن بی طرفی در حقوق بین الملل کیفری**..... ۳۷۳
- ۱- نشانه های تأسف بار نقصان بی طرفی..... ۳۸۰
- ۲- نقصان بی طرفی و دیوان عالی جزایی عراق..... ۳۸۵
- ۳- شریف بسیونی و تلاش برای بی طرفی در عدالت کیفری بین المللی..... ۴۰۲
- فصل چهاردهم: به کارگیری قواعد حقوق بین الملل بشر جهت حمایت هر چه بهتر از قربانیان قاچاق انسان؛ ممنوعیت های موجود در خصوص بردگی، بندگی، کار اجباری و بیگاری**..... ۴۰۷
- ۱- مفهوم قاچاق انسان و جایگاه آن در حقوق بین الملل بشر..... ۴۰۸

۴۱۲.....	۲- ممنوعیت بردگی و بندگی
۴۱۳.....	اسناد بین‌المللی مربوط به بردگی و بندگی
.....	جایگاه حقوقی ممنوعیت حاکم بر بردگی و تجارت برده چیست؟ آیا قاچاق انسان را
۴۲۰.....	می‌توان به این ممنوعیت تعمیم داد؟
۴۳۳.....	نتیجه‌گیری: قاچاق انسان به‌عنوان مصداق از بردگی
۴۳۴.....	ممنوعیت مربوط به کار اجباری و بیگاری
۴۳۴.....	اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به کار اجباری و بیگاری
۴۳۷.....	تمایز میان بردگی و کار اجباری
۴۳۹.....	رابطه میان قاچاق انسان، کار اجباری و بیگاری
۴۴۰.....	نتیجه‌گیری: قاچاق انسان مصداق نقض حقوق بین‌الملل بشر
.....	فصل پانزدهم: شرکات بسیونی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و حقوق بین‌الملل
۴۴۳.....	بشر دوستانه
۴۴۴.....	۱- حقوق بین‌الملل بشر دوستانه: بازتاب و توسعه آن
۴۴۹.....	۲- کار در عرصه غیر.....
۴۵۲.....	۳- انتشار حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

مقدمه

به دنبال هدف در آسمان

لیلا نادیا سادات و مایکل پی. اسکارف
مترجم: احسان جاوید

تعداد زیادی از میان ما هستند که می‌توانند مدعی باشند که برهه‌ای از تاریخ جهان را شکل داده‌اند. محمد شریف بسیونی نمونه بارز چنین افرادی است. وی، که اغلب از او به‌عنوان «پدر» حقوق بین‌الملل کیفری، زمین یاد می‌شود، در هر سند اصلی حقوق بین‌الملل کیفری در طول ۴۵ سال اخیر از جمله کوانتو، آپاراتاید، کنوانسیون شکنجه و اساسنامه رم برای دیوان کیفری بین‌المللی، اثر و ردپای خود بر جای گذاشته است. به‌عنوان محقق بسیار پرکار، بسیونی بالغ بر ۷۲ جلد کتاب در موضوعات متنوع همچون حقوق استرداد، حقوق جزای بین‌المللی و تطبیقی، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق کبیری ایالات متحده آمریکا را به رشته تحریر درآورده یا مورد ویرایش قرار داده است. وی همچنین، وُلد بیش از ۲۰۰ مقاله است که به زبان‌های مختلفی از جمله عربی، چینی، انگلیسی، فارسی، فرانسوی، گرجی، آلمانی، مجاری، ایتالیایی و اسپانیایی ترجمه شده‌اند. همین مسئله نشان دهنده رزاش و کیفیت فوق‌العاده آثار علمی اوست. بسیونی همچنین جوایز متعددی دریافت کرده که از این می‌توان به چهار مدرک دکترای افتخاری، نشان لیاقت از اتریش، مصر، فرانسه، آلمان و ایتالیا، جایزه ویژه شورای اروپا، جایزه «مدافع دموکراسی»، جایزه «آدلای استیونسون انجمن‌های ملل متحد» و جایزه بشردوستانه سنت وینسنت دوپول اشاره کرد. آثار و نظرات بسیونی به‌طور مرتب از سوی محاکم کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا و نیز برخی محاکم ملی مثل دیوان عالی ایالات متحده و کانادا به‌عنوان منبعی برای حقوق بین‌الملل کیفری مورد اشاره قرار گرفته است.

بسیونی، به سان شهروندی جهانی که مخالف بی‌عدالتی است، با اشراف کامل و چشمانی باز پای در صحنه جنگ می‌گذارد تا به ثبت بی‌رحمی‌ها و جنایات ارتكابی بپردازد و راه را برای تعقیب و پیگرد مرتکبین این جنایات هموار سازد. وی از یکسو در معرض کوتاه بینی‌های منتقدینی بوده که در مقام استهزاء آرمان گرایی او برآمده‌اند و از سویی دیگر، با مخالفت‌ها و سرسختی‌های حکومت‌هایی مواجه بوده که از دقت نظر و نگاه موشکافانه او نسبت به

اعمالشان] در هول و هراس بوده‌اند. [با وجود این،] وی با استعداد و برجستگی [علمی،] ایمان راسخ به اصول اخلاقی، توانایی ذاتی برای سازماندهی و از خود گذشتگی اش در راه ایمان و اعتقاد به اصول بنیادین، بر همه مخالفت‌ها و اعتراضات غلبه کرده است، هرچند که اصرار او در پیروی و متابعت محض از حقیقت و سرسختی اش در مواجهه با ناملایمات، گاه‌ها موجبات رنجش خاطر او را فراهم آورده است. در دهه ۱۹۵۰، وی در دانشکده حقوق [و در مجالست با] اساتید خود با رویای [ایجاد] یک محکمه کیفری بین‌المللی مأنوس شد؛ در سال ۱۹۹۸، با کمک به تشکیل کمیته نگارش کنفرانس رم، جامه‌ای از واقعیت بر قامت این رؤیا پوشاند. در سال ۱۹۹۹ وی به خاطر تلاش در جهت تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، نامزد دریافت جایزه صلح نوبل شد و در سال ۲۰۰۳، دولت فرانسه نشان افتخار (Legion of Honor) را به اهداء کرد. در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۷، جایزه ۷۰۰ هزار دلاری برای حقوق بین‌الملل را دریافت کرد. کمیته معرفی نامزدها بیان داشت که:

«او (بسیونی) «قوف انی» مبتدا در دفاع از عدالت بین‌المللی کیفری و حمایت از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی است و بی شک یکی از پرآوازه‌ترین و برترین متخصصین در این حوزه است.»

«وی با تلاش و فعالیت در حوزه عدالت کیفری بین‌المللی و عزم راسخ در راه ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی، کمکی قابل توجه، به حاکمیت قانون کرده است.»

فصول پانزده‌گانه کتاب حاضر نقش ارزنده محمد ژرف‌بسیونی در توسعه و تحول جدید حقوق بین‌الملل کیفری را مورد دقت نظر قرار داده‌اند. این مقالات توسط متخصصین و صاحب‌نظران این حوزه از جمله همکاران و دوستان نزدیک و قریبی وی به نگارش درآمده‌اند. تقدیم نامه‌های نوشته شده توسط گلن ویزینبرگر، لوئیس آربور، الحان بن‌لال، و ود پی. ناند، گواهی بر ارزش و بزرگی مقام علمی او در ایجاد تغییر در حقوق بین‌الملل کیفری است. ما، به‌عنوان ویراستاران این مجموعه، مفتخریم که بسیونی به‌عنوان معلم و پیش‌گام است و در بسیاری از طرح‌های تحقیقاتی در طول سالیان دراز با وی همکاری داشته‌ایم و حال در مقام گرمی داشت وی به‌عنوان محقق جسور، نوآور و برجسته، از ما دعوت شده است تا این کتاب را به رشته تحریر درآوریم. اذعان می‌کنیم که متأسفانه این مجموعه کامل نیست به این دلیل که صدها نفر بودند که می‌توانستند و دوست داشتند که در این کار مشارکت داشته باشند. با این حال، ما با کمال احترام این اثر برجسته ولی ناقص را به انسانی بی‌همتا تقدیم می‌داریم.

برای درک اهمیت کار بسیونی لازم است تا نگاهی گذرا به زندگی نامه شخصی او ببینیم. وی در مصر و به‌عنوان تنها فرزند خانواده‌ای به‌لحاظ سیاسی و اجتماعی برجسته به دنیا آمد و در

دوران کودکی به همراه والدین خود مهاجرت کرد. زمانی که ده سال بیشتر نداشت قادر بود به شش زبان صحبت کند. اگرچه وی در رفاه مادی رشد کرده بود لیکن این احساس مسئولیت به او تلقاء شده بود که باید با ایمان قاطع به خداوند، مدافع حقوق انسان‌هایی باشد که از این وضعیت بی‌بهره هستند. وی می‌گوید:

«همه ما مخلوقات خداوند قادر و توانا هستیم و روزی باید در پیشگاه او پاسخگو باشیم. در این میان، ما باید تا می‌توانیم کارهای نیک انجام دهیم و از شرارت‌ها اجتناب ورزیم؛ ما باید با احترام و صداقت رفتار کنیم. ما باید خوشبختی را در انجام کارهایی ببینیم که بزرگتر و بهتر از تعقیب منافع و خاسته‌ها و علایق شخصی ما هستند.»^۱

ریاضی که در دانشکده حقوق در دیژون فرانسه بود این عقیده را ابراز داشت و در آنجا بود که ارمان‌های انقلاب فرانسه و تفکرات لیبرالی فرانسه را نیز بدان افزود. او در سال ۱۹۵۶ در زمان بحران کمال سر به مصر بازگشت و به خدمت در ارتش مصر مشغول شد و به خاطر خدماتش در طول جنگ جهانی چهارم نشان نظامی دریافت کرد. وی سپس به اروپا بازگشت تا مطالعات حقوقی خود را در دانشگاه رن ادامه دهد که در آنجا او این فرصت را داشت که در کنار سایر اساتید، در محضر پروفسور ژان گراون (Jean Graven) به تحصیل و مطالعه بپردازد. پروفسور گراون ریاست انجمن بین‌المللی حقوق کیفری را بر عهده داشت که حامی تأسیس یک محکمه کیفری بین‌المللی دائمی بود. بسیونی نه تنها ایده تأسیس دیوان استقبال و آن را پذیرفت بلکه بعداً مدعی ریاست بر این انجمن نیز شد.

وی در حالی که هنوز دانشجوی حقوق بود، در یکی از تظاهرات‌ها به قاهره بازگشت، لیکن باز خود را در میان یک نزاع یافت، مسئله‌ای که مجدداً در زندگی او رخ می‌داد. وی به مدت هفت ماه در حبس خانگی ماند به این خاطر که وی از گروه‌های یهودی حمایت و نسبت به سوءرفتارهای رژیم ناصر اعتراض کرده بود. وی در آپارتمان خود در میطی (ریک و فاقد برق، رادیو و تلفن محبوس شده بود. روزی یکبار غذا دریافت می‌کرد و همواره در غرس از تیرباران شدن یا فرستاده شدن به اردوگاه‌های شکنجه زندگی می‌کرد. این تجربه برای سال‌ها مرتباً به ذهن او خطور می‌کرد و او را وادار می‌ساخت که به دنبال احقاق حق و پاسخگویی باشد. او به دنبال درمان خود بود و در مزرعه خانوادگی اش استراحت می‌کرد و به قول خودش، از این تجربه یک «عقیده محرز و مسلم در دو چیز» بروز می‌کند:

1. M. Cherif Bassiouni, *Bearing Witness, in PIONEERS OF GENOCIDE STUDIES* 315, 328 (Samuel Totten & Steven L. Jacobs eds., 2002).

«یکی این است که هم انسان‌های خوب وجود دارند و هم انسان‌های بد و مسئله این است که چطور می‌توان انسان‌های بد را از انجام کارهای ناشایست علیه انسان‌های خوب بازداشت. مسئله دیگر این است که من نهادهای قانونی را به عنوان تنها راهی می‌بینم که می‌توانند انسان‌های بد را از انجام کارهای ناشایست علیه انسان‌های خوب بازدارند.»^۱

بسیونی بعداً به ایالات متحده مهاجرت کرد که مادرش نیز از مدت‌ها پیش در آنجا زندگی می‌کرد و آنجا وارد دانشگاه ایندیانا در ایندیاناپولیس شد که شهریه آن برای وی قابل پرداخت بود. به محض این‌که در سال ۱۹۶۴ فارغ‌التحصیل شد، از طرف دانشکده حقوق دانشگاه دوپول یک فرستادگی به وی پیشنهاد شد و تا به حال نیز در آنجا باقی مانده است و علاوه بر این، عضو هیأت علمی است. به رشته دانشکده حقوق و رئیس مؤسسه حقوق بشری است که خودش در آنجا تدریس کرده است. در طول سال‌های اولیه حضور در شیکاگو، وی در کنار تمرکز بر روی تحقیق و پژوهش خود، در زمینه حقوق بین‌الملل بشر، صدها ساعت وقت برای کار به نفع قربانیان نقض‌های حقوق شهروندی و مدنی داخلی صرف کرد. بسیونی خیلی زود در سرتاسر جهان به عنوان یک حقوقدان بین‌المللی، با دوست‌توانمند شهره شد و آوازه‌ای جهانی بدست آورد. در سال ۱۹۷۴ وی به عنوان دبیر کل انجمن بین‌المللی حقوق کیفری برگزیده شد. پس از دوبار تجدید انتخاب، وی برای یک دوره ۱۵ ساله به مقام ریاست این سازمان بین‌المللی مرکب از ۳۰۰۰ عضو منصوب گردید. او انجمن بین‌المللی مطالعات عالی در علوم کیفری را در سیراکوزای ایتالیا تأسیس کرد که تا به امروز ریاست آن را بر عهده دارد. تحت راهنمایی‌های بسیونی، این انجمن نزدیک به بیست هزار حقوقدان را از بیش از صد و چهل کشور تربیت کرده است.

به عنوان یکی از معدود افراد عربی - آمریکایی که در آمریکا به تدریس حقوق مشغول است، و به عنوان اولین قهرمان صلح و تفاهم میان یهودیان و مسیحیان و میان آنان، بسیونی در راستای پیشبرد صلح در خاورمیانه از زمان جنگ ۱۹۶۷، تلاش‌های بسیاری انجام داده است. در واقع، وی به همراه پروفیسور مورتون کاپلان از دانشگاه شیکاگو، پیش‌نویس طرحی را برای صلح در خاورمیانه در سال ۱۹۷۵ تدوین کرد که پیش‌زمینه‌ای برای موافقتنامه‌ای بود که در نهایت در سال ۱۹۷۹ میان اسرائیل و مصر به امضاء رسید. پیشنهاد بسیونی شخصاً توسط جیمی کارتر قبل از انعقاد پیمان کمپ دیوید مورد مطالعه قرار گرفته بود و بسیونی جلسات متعددی با رئیس‌جمهور مصر، انور سادات و پادشاه اردن، ملک حسین و نیز مقامات رسمی مصر، اسرائیل و آمریکا

1. Mike Sula, *On Top of the World*, CHICAGO READER, Mar. 5, 1999, at 18.

برگزار کرده بود. کارتر در سال ۱۹۷۹ و زمانی که دیپلماتهای آمریکایی در سفارت آمریکا در تهران گروگان گرفته شده بودند، دوباره از بسیونی دعوت به عمل آورد و از او خواست که به عنوان مشاور حقوقی گروگانهایی که در ایران تحت محاکمه بودند، اقدام نماید. بسیونی هنوز هم به فعالیت خود برای صلح و امحاء سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه و هماهنگ‌سازی جهت ایجاد و پیش‌برد یک نظام امنیت منطقه‌ای در همین راستا ادامه می‌دهد و اخیراً نیز در جریان جنگ‌های افغانستان و عراق، خود را درگیر فرایند برقراری صلح و آرامش در این کشورها نموده است. در سال ۲۰۰۴، سازمان ملل متحد بسیونی را به عنوان کارشناس مستقل حقوق بشر در افغانستان منصوب کرد که در آنجا کار او کمک به آزادسازی ۸۵۶ اسیری (POWs) بود که به مدت سه ماه در حبس نگه داشته شده بودند. وی ۴۵۰ نفر از قضات افغان را آموزش داد و تلاش کرد که ۵۰ قاضی زن نیز وارد این شغل شوند.

یک سال بعد بسیونی توجه خود را به عراق معطوف ساخت و طبق قراردادی ۳/۸ میلیون دلاری توسط آنس، آمریکایی برای توسعه بین‌المللی جهت کمک به آموزش حقوق در عراق مشغول به کار شد. کار او از رژیم سرکوبگر و نیز در جریان حمله نیروهای ائتلاف به عراق در سال ۲۰۰۳ دچار آسیب زیادی شده بود. تحت راهنمایی و هدایت بسیونی، کتابخانه‌های حقوقی در بغداد، بصره و سلانیه بازسازی شدند. او همچنین برای تهیه پیش نویس قانون اساسی جدید اقداماتی را انجام داد و به تازگی به طور گسترده‌تر به کار در زمینه اقدامات ناظر بر حاکمیت قانون در جهان عرب ادامه داده است.

بسیونی در کار اشتغال به تدریس، بخش قابل توجهی از وقت خود را صرف کار برای سازمان ملل کرد و به عنوان رئیس کمیته کارشناسان منصوب شد. این کمیته پیش نویس معاهده منع شکنجه انتخاب شد. تجربه شخصی او همراه با تخصص حقوقی وی، در این مسئله او را پیشرو ساخت و سرانجام در سال ۱۹۸۴ پیش نویس او با عنوان کنوانسیون بین‌المللی علیه شکنجه و رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز مورد تصویب قرار گرفت.

او به همکاری خود با سازمان ملل ادامه داده و بطور مستمر تلاش‌های بین‌المللی عمده برای ارتقاء و پیش‌برد مسئولیت‌پذیری و حقوق بشر را راهبری کرده است. وی سرانجام به عنوان رئیس کمیسیون کارشناسان که در سال ۱۹۹۲ و پیرو قطعنامه ۷۸۰ برای تحقیق در خصوص جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق تأسیس شده بود، انتخاب شد. با این که یکسری کارمند و دفتری در ژنو از سوی سازمان ملل به این کمیسیون اختصاص داده شده بود، لیکن هیچ پولی برای تحقیق به این کمیسیون پرداخت نشده بود، و از این رو، بسیونی با تأمین پول لازم از منابع خصوصی، یک مرکز اسناد با داده‌های اطلاعاتی کامپیوتری جهت جمع آوری و سازماندهی اطلاعات به

دست آمده در خصوص جنایات ایجاد کرد. دانشکده حقوق دویول نیز فضای لازم برای کار و فعالیت‌های کمیسیون را در اختیار آن قرار داد و بسیونی دائماً میان ژنو و شیکاگو جهت نظارت بر کار کمیسیون در حال رفت و آمد بود. تحت هدایت بسیونی، کمیسیون قطعنامه ۷۸۰ که به کمیسیون ۷۸۰ معروف است، گزارشی ۳۳۰۰ صفحه‌ای در خصوص ارتکاب پاک‌سازی قومی، ژنوسید و جنایات علیه بشریت در طول جنگ صادر کرد. بسیونی خود به تمام نقاط یوگسلاوی سفر نمود و در این بین، گورهای دسته جمعی را نبش و ثبت نمود و با قربانیان و شاهدان مصاحبه انجام داد و حقیقت را آشکار و علنی ساخت.

یکی از نیمی‌ترین تحقیقات او، کشف تجاوز به عنف دسته جمعی بود که در طول جنگ اتفاق افتاده بود. کمیسیون بیش از ۱۵۰ گور دسته جمعی را شناسایی کرد که در آن‌ها بیش از ۳۰۰۰ جسد پیدا شده به بی‌رحمی، آن‌ها یا مورد شکنجه یا تجاوز به عنف قرار گرفته بودند. در آوریل ۱۹۹۳، بسیونی با مارتینیکی که او تا آن زمان ملاقات کرده بود، مصاحبه‌ای را انجام داد. یکی از این قربانیان، دختر نوجوان ۱۲ ساله‌ای بود که در یک تخت پزشکی و همانند یک نوزاد بسته شده بود. بسیونی متوجه شد که این دختر در اثر تولد نوزاد مرده که از یک تجاوز به عنف ناشی شده بود، دچار آسیب روحی شده بود. بسیونی می‌گوید در آن لحظه او تصمیم گرفت تا هر کار ممکن را انجام دهد تا توجه جهان را به جنایات و خشونت‌های جنسی که در بوسنی ارتکاب یافته بودند، جلب کند.

در قضیه‌ای دیگر، یک مرد مسلمان بوسنیایی در مورد تجاوز آزارگرانه و سادیستی به همسر و فرزندانش و قتل آن‌ها به بسیونی گفته بود. شوهر بیچاره می‌نمود: «من زنده بوده‌ام تا این‌که امروز این داستان را به جهان بگویم. آن دیگر بر عهده شماست.» در روز بعد این مرد خودکشی کرد.^۱ بسیونی داستان این قربانی و بسیاری دیگر از قربانیان را در کتاب خود نگه داشت تا این که به کار در کمیسیون ۷۸۰ و سپس در تلاش برای تأسیس دادگاه بین‌المللی در ری، اختصاصی برای یوگسلاوی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری مشغول شد.

در مراجعه به فصول این مجموعه، ما تصویری از زندگی و خدمات بی‌نظیر بسیونی را مشاهده می‌کنیم. نویسندگان چهار قسمت اول، به مسائل مربوط به تئوری عام حقوق بین‌الملل کیفری و اصل مسئولیت در قبال ارتکاب جنایات پرداخته‌اند. هر چهار نویسنده در مخالفت با بی‌کیفری در قبال نقض‌های حقوق بشری، ایمان و اعتقادی راسخ به قانون و نهادهای حقوقی دارند. در فصل اول مارک درامبل بسیونی را به‌عنوان عامل شکل دهنده حقوق بین‌الملل کیفری و طرفدار راستین نظم و انضباط معرفی می‌کند. وی می‌گوید بسیونی معتقد است که «وقایع»

بیش از دکتربین حقوقی باعث رشد حقوق بین‌الملل در آینده‌ای قابل پیش بینی خواهند شد. به اعتقاد درامبل حقوق بین‌الملل کیفری تا حد زیادی مستقل از دکتربین و نظرات حقوقی رشد و توسعه می‌یابد. مطالعه عمیقاً شک‌اندیشانه درامبل از حقوق بین‌الملل کیفری، استفاده بیشتر از مجازات‌های جمعی و روش‌های ناهمگون «از پایین به بالا» را به عنوان جایگزینی برای آن چه که وی آن را «عدالت کیفری خصمانه یک‌دست» نام گذاری می‌کند، لازم می‌شمارد.

در فصل دوم، آنیا و برونیک ماتویچکی به تحقیق در مورد رهیافت بسیونی می‌پردازند که معتقد است حق بر پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری یک «حق طبیعی» است. این دو نویسنده به بررسی اصول شیکاگو در مورد عدالت پس از جنگ^۱ که توسط بسیونی تدوین شده و از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است، می‌پردازند. آنان در کنار این مسئله، تئوری را که تأکیدی بر این اصول است، بررسی کرده و به نظر می‌دهند، از نظر آنان عدالت کیفری ذاتاً تبعیض آمیز است به این دلیل که به نفع قویان و به زیان ضعیفان عمل می‌کند؛ اما تأکید دارند که هرگونه جایگزینی به جای آن نامناسب‌تر و بدتر خواهد بود، چرا که در این صورت قربانیان از حقوق خود محروم خواهند شد صرفاً به این دلیل که آن‌ها سخت‌ترین نقض‌ها را قرار گرفته‌اند.

در فصل سوم، بارترام براون به بررسی کار مهم بسیونی در عاری ساختن مسئولیت کیفری بین‌المللی و حقوق بشر از جنبه‌های سیاسی می‌پردازد. او ارتباط میان حقوق و سیاست و قابلیت اجرای مشترک آن‌ها نسبت به حقوق و نهادهای بین‌المللی را مورد کندوکاو قرار می‌دهد. این فصل از کتاب، محور کار بسیونی را مورد توجه قرار می‌دهد: به چالش کشیدن این ادعای حاکمیت مدار که تصمیمات ناظر بر ورود به جنگ یا ارتکاب جنایات، مسائل سیاسی هستند که قابل دادخواهی و اعتراض نمی‌باشند. براون اظهار می‌دارد که بیایند مازی نباید بر اصول بنیادین بین‌المللی غلبه یابد به‌ویژه آنگاه که هنجارهای آمره مورد نقض قرار گرفته‌اند. او مدعی است که هم به لحاظ حقوقی و هم به لحاظ اخلاقی لازم است که این وضعیت‌ها را با تدابیر سیاسی عاری ساخت و دولت‌ها را تشویق کرد تا بر اساس اصول قابل دادرسی اقدام نمایند.

فصل چهارم از یک تئوری کلی به اصل حقوقی مسئولیت می‌رسد: مسئله صلاحیت جهانی. بسیونی به عنوانی حقوقدانی آرمان‌گرا و عمل‌گرا، صلاحیت جهانی را در عالمی اخلاقاً تاریک و پرابهام جای می‌دهد، جایی که رفاه بشریت در آن بسیار بزرگ جلوه می‌کند اما فقط منحصر به آن نیست. بسیونی معتقد است که لازم است تا به دغدغه‌های دولت‌ها در خصوص اصل

1. THE CHICAGO PRINCIPLES ON POST-CONFLICT JUSTICE (M. Cherif Bassiouni ed., 2007).

صلاحیت جهانی و اجرای آن اعتنا شود. دایان اورنتلیشر در این فصل از کتاب پیشرفت‌های صورت گرفته در حوزه صلاحیت جهانی که محصول تلاش و کار یک عمر بسیونی است، را مستند می‌سازد. وی در تدوین اصول پرینستون در مورد صلاحیت جهانی^۱ و اصول و رهنمودهای اساسی ملل متحد در مورد حق بر جبران خسارت قربانیان نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه^۲ نقش مهمی ایفاء کرده است. بسیونی با تعریف محدودیت‌های خاص برای اجرای این اصل و تأکید بر متدولوژی حقوقی قوی، مبنایی محکم و استوار به این اصل می‌بخشد. اورنتلیشر بیان می‌دارد که تفسیر بسیونی از صلاحیت جهانی ممکن است تا حد زیادی محدود باشد و این نه به‌خاطر گواهی بر حمایت از اجراهای بلندپروازانه‌تر این اصل و جایگاه رو به رشد آن در حقوق بین‌الملل است.

همان‌طور که «اورنتلیشر» بیان داشته بود که حقوق بشر از بطن جامعه داخلی به پا می‌خیزد، به همان ترتیب نیز اجرای اصل مسئولیت در قبال نقض‌های شدید حقوق بشر نیز از جامعه داخلی شروع می‌شود. بسیونی از مصرع «گریخت و در ایالات متحده پناهنده شد اما با این حال وی نه تنها در راستای اجرای اصول حقوق بشری در کشورها تلاش کرده است، بلکه در کشور فعلی اش، ایالات متحده، نیز همین رسالت را دنبال می‌کند»^۳ گرفته است. سه فصل دیگر در این کتاب بر روی موضوع شکنجه و چگونگی اجرای اصول حمایت بسیونی در زمینه مبارزه آمریکا علیه تروریسم متمرکز هستند. در فصل پنجم، کریستوفر بلاکسلی به بررسی تاریخچه تعقیب و مجازات جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، شکنجه و ترور، بسم پرداخته است. وی جنگ و تروریسم را به‌عنوان نهادهای مجازات قلمداد می‌کند و اظهار می‌دارد که مطالعه و تأمل در تاریخ و مفاهیم جنگ و تروریسم، ما را به درکی عمیق‌تر از ترور، جنگ‌های «قانونی» و غیرقانونی رهنمون می‌سازد. نویسنده به کاوش در مفاهیم تعقیب و مجازات در ارتباط با جنگ و تروریسم از عهد عتیق تا دوران معاصر می‌پردازد.

در فصل ششم، کریستوفر جویئر این مسئله را مورد دقت نظر قرار می‌دهد که آیا مجاز بودن انجام شکنجه توسط نیروهای آمریکایی، به‌ویژه برای ترساندن تروریست‌ها، قابل قبول است یا خیر. جویئر در نتیجه‌گیری خود از این بحث بیان می‌دارد که انجام شکنجه توسط هر کس، در هر جا و در هر زمانی غیرقانونی بوده و نقض حقوق بنیادین بشری به شمار می‌رود. در ادامه همین موضوع، چوردن پائوست در فصل هفتم در مورد بازداشت‌های مجرمانه و ناپدیدسازی‌های

1. THE PRINCETON PRINCIPLES ON UNIVERSAL JURISDICTION 25 (Princeton University Program in Law and Public Affairs ed., 2001).

2. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, G.A. Res. 60/147, Annex, U.N. Doc. A/RES/60/147 (Mar. 21, 2006).

اجباری که در طول مبارزه با تروریسم در دوره ریاست جمهوری بوش ارتکاب یافته‌اند، مطالبی را به رشته تحریر درآورده است. پائوست این مسئله را به بحث می‌گذارد که ناپدید سازی‌های اجباری و بازداشت‌های محرمانه به چه ترتیب در حقوق بین‌الملل ممنوع می‌شوند. با الهام از بسیونی، پائوست اظهار می‌دارد که برنامه‌های دولت جورج دبلیو بوش در تناقض با حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای قرار دارد.

همان‌گونه که قاعده حقوق عرفی مقرر می‌دارد که - *ubi jus, ibi remedium* - لازمه حق، ضمانت اجراست، لذا حق‌ها بدون وجود جبران‌های مقتضی، کمترین فایده مندی را خواهند داشت. بدین جهت، پنج فصل از این کتاب به یکی از ماندگارترین میراث‌های بسیونی یعنی تلاش برای استقرار سازوکارهایی جهت اجرای عدالت نسبت به مرتکبین جنایات و رفتارهای خلاف انسانیت اختصاص یافته است. فصول هشت و نه به همکاری و مشارکت بسیونی در ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری، کمیسیون یوگسلاوی سابق پرداخته‌اند، و فصلهای ده، یازده و دوازده استقرار و عملکرد بالقوه دیوان کیفری بین‌المللی را مطمح نظر قرار داده‌اند. فصل سیزده نیز به مطالعه در مورد محکمه عالی علیه ارتکاب جنایات پرداخته است.

در فصل هشت، مایکل اسکراف بشینه کمیسیون ۷۸۰ و نقش آن به‌عنوان طلسمه دار پیشرفت در حوزه جدید مسئولیت را به بحث گذاشته است. کمیسیون مذکور گامی در راستای استقرار دادگاه کیفری اختصاصی یوگسلاوی بود که از زمان محاکمات توکیو و نورنبرگ به بعد، اولین دادگاه بین‌المللی بود که به جنایات جنسی رسیدگی می‌کرد. در عوض، دادگاه یوگسلاوی مسیر را برای دادگاه‌های رواندا، تیمور شرقی، دادگاه خاص سیرالئون، محکمه کامبوج و در نهایت، دیوان دائمی بین‌المللی کیفری هموار ساخت.

در فصل نهم، بریجایت استرن و ایزابل فوچارد به تبیین درک کامبوج و ارزشمند کمیسیون پرداخته‌اند: استقرار دادگاه یوگسلاوی و تعریف تجاوز به عنف و جنایت جنسی در حقوق بین‌الملل. همچنین نویسندگان فوق تشریح کرده‌اند که کمیسیون چگونه در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل ناظر بر توصیف مخاصمات بین‌المللی و تعریف جنایات علیه بشریت و مسئولیت فرماندهان نقشی حائز اهمیت ایفاء کرده است.

در فصل دهم، لایلا سادات تلاش‌های بسیونی برای ایجاد دیوان بین‌المللی دائمی و نیز نقش بالقوه آن در توسعه حقوق بین‌الملل را در کانون بحث و نظر خود قرار داده است. او در این فصل بسیاری از کارهای بسیونی در زمینه مقررات توصیفی، صلاحیتی و اجرایی [دیوان] را مورد تأکید قرار می‌دهد. سادات همچنین گوشزد می‌کند که تصویب اساسنامه دیوان، گذشته از مخالفت‌های ایالات متحده آمریکا، «انقلابی پرآشوب» پدید می‌آورد که به‌طور بالقوه می‌تواند به حقوق

بین‌الملل شکل و شمایلی جدید ببخشد. در پایان نیز به بررسی برخی از اولین قضایای مطروحه در دیوان پرداخته و مسیر پیش روی عدالت بین‌المللی کیفری را به نظاره می‌نشیند.

فصل یازدهم که توسط مهنوش ارسنجانی و مایکل رایزمن به نگارش درآمده است، به بحث در خصوص مسائل بالقوه‌ای می‌پردازد که «محاکم از قبل موجود» از قبیل دیوان بین‌المللی کیفری (یعنی محاکمی که قبل از این که یک مسئله امنیتی بین‌المللی حل شده باشد، تأسیس شده‌اند) ممکن است از رهگذر اعمال فشار بر طرف‌هایی که مسئول حل و فصل اختلافات هستند، به وجود آورند. به اعتقاد نویسندگان مزبور، قضات و دادستانها باید به عواقب سیاسی و اجتماعی اقداماتشان توجه داشته باشند، و این که بدون رهنمودهای «قانونی»، دیوان بین‌المللی کیفری ممکن است گرفتار تصمیمات سیاسی گردد که همین امر می‌تواند تصویر یک دادگاه کیفری بی‌طرف را تیره درآورد.

در فصل دوازدهم پیام شایع به موضوع معنا و مفهوم جنایات علیه بشریت مقرر در اساسنامه دیوان می‌پردازد. به این سؤال می‌پردازد که آیا بند ۲ ماده ۷ اساسنامه اجازه می‌دهد که یک جنایت علیه بشریت توسط «ایک گروه غیردولتی» ارتکاب یابد یا خیر. این سؤال به دنبال حملات ۱۱ سپتامبر مطرح گردید و این مسئله پیش آمد که آیا گروه القاعده در چارچوب اشاره بند ۲ ماده ۷ به سیاست یک «دولت یا گروه سازمان یافته» قرار می‌گیرد یا خیر. شایع‌اشعار می‌دارد که بسیونی معتقد است القاعده نمی‌تواند مشمول ماده ۷ شود چرا که عبارت «سیاست سازمانی» فقط به سیاست یا برنامه یک دولت اشاره دارد و نه بازیگران غیردولتی. شایع‌اش، که مسئولیت تدوین موضوع جنایات علیه بشریت را عهده دار بود، نیز رئیس کمیته مقدماتی تهیه پیش نویس در کنفرانس رم که متن نهائی بند ۲ ماده ۷ را تهیه کرد، عقیده دارد که نظرات بسیونی در مورد عنصر برنامه یا سیاست دولت در جنایات علیه بشریت از پس آن را دارند که متخصصین و حقوقدانان به بحث و استدلال در خصوص آن ادامه دهند.

در فصل سیزدهم، دایان امان با تأکید بر انتقادات خود از محکمه عالی عراق، به بررسی «فقدان بی طرفی» در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، یا عدم توازن میان مجازات و انصاف می‌پردازد. (گرچه بسیونی به تأسیس محکمه مزبور کمک نمود، لیکن بسیاری از توصیه‌ها و ارشادات او [در عمل] نادیده گرفته شدند.) مقاله وی به دغدغه‌های بسیاری پرداخته است از جمله این که این محکمه بدون توجه به تضمینات اساسی رعایت تشریفات قانونی و با کمترین احتمال انجام محاکمات منصفانه عمل نمود. علاوه براین، محکمه فوق الاشعار با چالشی تنش میان رعایت تشریفات قانونی و حس انتقام جوئی مردم [عراق] مواجه بود. این فصل نقش

محوری را که محاکم بین‌المللی می‌توانند در کمک به اعاده حاکمیت قانون در طول درگیریها و نیز پس از خاتمه آنها ایفاء کنند، مورد تأکید قرار می‌دهد.

دو مقاله پایانی این کتاب به بررسی کارهای بسیونی در زمینه قاچاق و نیز همکاری طولانی مدت او با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پرداخته‌اند. در سال ۲۰۰۲، بسیونی پروژه تحقیقاتی را به انجام رساند که قاچاق بین‌المللی زنان و کودکان در کشورهای آمریکائی را مورد ارزیابی و کنکاش قرار داده و یافته‌های این تحقیق در گزارشی با عنوان «در بردگی مدرن: قاچاق جنسی در کشورهای آمریکائی»^۱ منتشر شده است. فصل چهارده که توسط آن گالاگر به نگارش درآمده است، ارتباطی مسلم میان جرم قاچاق و حقوق بین‌الملل بشر را به‌عنوان نمونه‌ای از آن‌چه که نظام حق بشر تلاش دارد تا از آن پیشگیری کند، توضیح می‌دهد. گالاگر اشاره می‌دارد که ممنوعیت بردگی، تجارت برده، بیگاری و کار اجباری از جمله جا افتاده‌ترین و بارزترین مقررات حقوق بین‌الملل است. توسعه و تحولات سیاسی و حقوقی اخیر، مبنایی محکم و استوار برای اعمال این ممنوعیت برای جرم قاچاق فراهم می‌کنند.

ایو ساندوز در فصل پانزدهم به برخی از مجادلات علمی که با بسیونی در زمان فعالیت در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ داشته، پرداخته است. به‌عنوان مثال، او به نقش بسیونی در توسعه و تحول و گسترش حقوق بین‌الملل، به دو تانه، تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری و همکاری وی در تدوین اساسنامه رم اشاره می‌کند. ساندوز همچنین به برخی از کارهای مهم بسیونی در این زمینه، به‌ویژه در افغانستان، به تفصیل پرداخته است.

بسیونی نوشته است که «پیگیری حقیقت و عدالت» در کنار مسائل دیگر، مستلزم جرأت و جسارت اخلاقی، و گاهی جسارت مادی، قدرت غلبه بر ترس، و دیدگاه نگرش اشتباهات است. همچنین نیازمند قاطعیت، میل به ایثار و از خودگذشتگی، احساس مسئولیت و پشتکار و ثبات قدم است. آنگاه که پیگیری عدالت به‌نظر ناممکن می‌رسد»^۲.

وقتی بسیونی هفت ساله بود، آلمان‌ها مشغول انجام حملات هوایی در قاهره بودند. در نیمه‌های یک شب، او دور از چشمان مادرش به بیرون رفت و در تاریکی ایستاد. او تفنگ اسباب بازی اش را درآورد و رو به آسمان نشانه رفت. وقتی مادرش به دنبال یافتن او بیرون آمد، بسیونی به مادرش گفت که او می‌خواهد هیتلر را گلوله باران کند. حتی در هفت سالگی هم بسیونی فکر می‌کرد که او می‌تواند دیکتاتورهای جهان را متوقف کند. بسیونی گفته است که کار

1. IN MODERN BONDAGE: SEX TRAFFICKING IN THE AMERICAS: CENTRAL AMERICA AND THE CARIBBEAN (DePaul University College of Law International Human Rights Law

Institute ed., 2002).

2. Bassiouni, *supra* note 1, at 361.

وی الهام گرفته از رهنمودهای تالمودیک (Talmudic) است، که ما معتقدیم که باید به‌عنوان انگیزه و مشوقی برای کلیه حقوقدانان، بشردوستانها و تمام کسانی باشد که مقصود خود را در آسمان می‌جویند: «جهان بر سه رکن استوار است: حقیقت، عدالت و صلح.» تالمودیک اضافه می‌کند که «این سه رکن در واقع در یک جمله خلاصه می‌شوند: اگر عدالت تحقق یابد، حقیقت نیز به اثبات می‌رسد و صلح حاصل می‌شود.»^۱

www.ketab.ir